



۲۰۱۳/۰۳/۱۶



علی آبروشان

نویسنده های که قلم اش را به گرو می دهند

در گذشته نویسندگان درباری بودند که به مدح شاهان می پرداختند و فعالیت های قانونی و غیر قانونی آنها را توجیه ملی و مردم دوستانه می نمودند از دید این افراد شاه به هر عمل که مبادرت می ورزید درست بود و دشمنی با شاه مساوی به دشمنی با خدا، ملت و مردم تلقی می گردید. در حالیکه خود شان به این امر یقین و باور نداشتند بل باید آن گونه می نوشتند تا رضایت خاطر شاه را فراهم می کرد و در سفره شاهانه او خود را شریک می ساختند، اما امروز نویسندگانی از این دست وجود ندارد که به مدح و ثنای شاه شعر بسرایند و در وصف او بنگارند و در بدل کسب منافع مادی و مقام، اندیشه، فکر، قلم و ایده خود را به گرو بگذارند و از این طریق امرار معیشت کنند. اما هستند کسانی که در بدل این منافع قلم خود را به گرو می گذارند و در برابر پول اندیشه خود را می فروشند، وقتی امروز رسانه های کشور را تعقیب می کنی و مطبوعات را ورق می زنی به این مهم پی میبری و می بینی که چقدر بازار گرو گذاشتن اندیشه و فکر در این کشور گرم است و تا چه حد قلم ارزش خود را از دست داده و ارزان به گردش در می آید. چسان نوشته های اینگونه، صفحات مطبوعات را به خود اختصاص داده اند و بدبختانه تعدادی از صاحب نظران ما به اظهارات می پردازند که خود به صحت آن عقیده ندارند و تعدادی از نویسندگان ما مطالبی را می نگارند که می دانند صحت ندارد و درست نیست اما به خاطر کسب منفعت، خود را مکلف به آن می دانند که اینگونه بیاندیشند، اظهار نظر کنند و اینگونه بنگارند.

این قماش تحلیل گران و نویسندگان سال ۲۰۱۴ را سال بربادی افغانستان می دانند و سعی می دارند که اعتماد عمومی را این گونه شکل دهند که ۲۰۱۴ مساوی به محو افغانستان و سقوط این کشور به کام تروریستان خواهد بود.

آنها کوشش می کنند که نیروهای امنیتی کشور را ضعیف جلوه داده، فعالیت ها، از خود گذری ها، وقف نمودن این نیرو ها را در راه وطن و مردمش، نادیده گرفته، از دستاورد های مثبت دولت و نظام موجوده چشم پوشی نمایند و با بی تفاوتی از آن بگذرند.

امروز نقد از دولت کنونی خریداران زیادی دارد و هرکس در تلاش است تا کوچکترین خلاء را دستاویز خود قرار داده و با تمام توان علیه آن بنویسد و حرف و حدیث بگویند بدون این که حرمت به طرف مقابل قائل شوند و احترامش را حفظ نمایند.

در نشریه ماندگار امروز مطلبی تحت عنوان (تأمل دیگری در باب سخنان اخیر « رفیق کرزی ») نظرم را به خود جلب کرد، نویسنده محترم این متن اظهارات اخیر رئیس جمهور کشور مبنی بر انتقاد از فعالیت های اضلاع متحده آمریکا را به باد انتقاد گرفته و به نحوی خواسته است که این اظهارات را کمپاین پس از ۲۰۱۴ برای رئیس جمهور کشور و تیم کاری اش عنوان کند. از دید این قلم رئیس جمهور در تلاش مطرح نمودن خود به عنوان رهبر کاریزماتیک و ایدیولوژیک چون هوگو چاوز و استالین است در حالیکه رئیس جمهور بار بار از کمک های اضلاع متحده آمریکا و متحدان بین المللی اش سپاس گزاری و قدردانی نموده است و نویسنده این مطلب نیک می داند که به خاطر امضای معاهده ستراتیژیک با اضلاع متحده، رئیس جمهور کشور تا چه حد زیر فشار افکار عمومی قرار داشت و تا چه اندازه کوشید این قرار داد امضاء شود. آن زمان نیز نویسندگانی از این قماش رئیس جمهور را متهم به این می کردند که افغانستان را می خواهد به کام آمریکا فرو برد در حالیکه امروز نیز تعدادی از نویسندگان و تحلیلگران به خاطر انتقاد رئیس جمهور از اضلاع متحده، وی را متهم به زیر پا نمودن منافع ملی افغانستان می کنند. همان قسم که امروز بر خلاف تمام موازین و مقررات، اهانت به رئیس جمهور یک ملت روا داشته و به جای تکریم و حرمت، « رفیق کرزی » خطاب می کند.

همچنین همین روزنامه اظهارات اخیر رئیس جمهور کرزی را به بازی موش و پشک میان رئیس جمهور و اضلاع متحده تشبیه نموده در حالیکه نه آمریکا پشک است و نه ملت افغانستان موش، بل بنا بر اظهارات پنجشنبه گذشته

رئيس جمهور؛ افغانستان با امريكا رابطه دوستي مي خواهد ولي دوستي بين دو ملت مستقل. از اين لحاظ تشبيه روابط فعلي به موش و پشك بازي، توهين به ملت افغانستان تلقی مي شود كه جا دارد نويسنده ها و تحليلگران در انتخاب و استعمال كلمات و ضرب المثل ها، آن را رعايت نمايند.

پايان

د پانو شميره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ